

**Soviet oil policies in Iran, the establishment of a democratic sect
and the role of the Azerbaijani people**

Kiamehr Feroozi ¹
Ali Reza Molaei Tavani ²
Ghobad Mansourbakht ³

Received Date: 1 Jul 2021
Reception Date: 5 Sep 2021

Abstract

How the sect was formed and overthrown by some ethnocentric and centrifugal circles has always been controversial, but with the release of secret Soviet documents after (1991), more angles of the relationship and issues behind the events of the years in question. Soviet policies toward Iran and the Democratic Party have also been exposed. The findings of this paper are based on a combined method, ie a combination of comparative study and rational analysis, and tries to answer the question of what is the relationship between the emergence of a democratic sect and Soviet oil concessions in Iran. The long-standing rivalry between Russia and Britain and the monopoly of southern oil on British colonial iodine were among the factors influencing the Soviet conquest of northern oil. Soviet attention to northern oil dates back to World War I. The occupation of parts of Iranian territory and the Soviet refusal to evacuate it, despite a previous agreement, provided an appropriate opportunity for the Soviets to seek concessions. Although the Soviet Union tried to present the formation of a democratic sect in Azerbaijan as a popular and identity-seeking movement, a study of objective documents and evidence shows that the existence, goals, ideology and actions of the democratic sect were all developed in the Soviet Union. The

¹ . PhD student in post-Islamic Iranian history, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

² . Associate Professor, Institute of History, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran (Corresponding Author) mollaiynet@yahoo.com

³ . Assistant Professor of History, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Democratic Party acted in parallel with the Tudeh Party and the Left Forces in line with Soviet goals, including the issue of oil concessions in the North. The Democratic Party of Azerbaijan was in fact a tool to put pressure on the central government of Iran and gain oil concessions. Of course, various factors contributed to the Soviet failure to gain oil concessions. These include Ahmad Ghavam's politicking, Iran's complaint to the United Nations, and international pressure and resistance by the Azerbaijani people against the sect. The article concludes that although the Azerbaijani people did not play a role in the emergence and formation of the sect, they did play an important role in ousting it and the Soviets' failure to gain access to northern oil.

Keywords: Soviet Union, Northern Oil, Iran, Democratic Sect, People of Azerbaijan

سیاست های نفتی شوروی در ایران، تاسیس فرقه دموکرات و نقش مردم آذربایجان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۴

کیامهر فیروزی^۱

علیرضا ملایی توانی^۲

قباد منصور بخت^۳

چکیده

چگونگی شکل‌گیری و سقوط فرقه از سوی برخی محافل قوم‌گرا و گریز از مرکز، همواره محل مناقشه بوده، اما با انتشار اسناد محرمانه اتحاد شوروی پس از (۱۹۹۱م، ۱۳۷۰ش)، زوایای بیشتری از مناسبات و مسائل پشت پرده وقایع مربوط به سال‌های مورد نظر و همچنین سیاست‌های شوروی در ارتباط با ایران و فرقه دموکرات آشکار شده است. یافته‌های این مقاله بر اساس روش ترکیبی یعنی ترکیبی از مطالعه تطبیقی و تحلیل عقلانی است و میکوشد به این مساله پاسخ بدهد که چه نسبتی بین پیدایش فرقه دموکرات و امتیازخواهی نفتی شوروی در ایران وجود دارد. رقابت دیرین روس و انگلیس و انحصار نفت جنوب در ید استعمار بریتانیا از عوامل مؤثر در امتیازخواهی شوروی از نفت شمال بود. توجه شوروی به نفت شمال به اوان جنگ اول جهانی باز می‌گردد. اشغال بخش‌هایی از خاک ایران و خودداری شوروی از

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران پس از اسلام دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

۲. دانشیار پژوهشکده تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

mollaiynet@yahoo.com

۳. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

تخلیه آن علیرغم توافق قبلی، فرصت مقتضی امتیاز خواهی را برای شوروی فراهم نمود. گرچه شوروی تلاش می‌کرد تا شکل‌گیری فرقه دموکرات در آذربایجان را حرکتی مردمی و هویت طلبانه معرفی نماید اما بررسی و تحقیق در اسناد و شواهد عینی نشان می‌دهند که موجودیت، اهداف، مرامنامه و اقدامات فرقه دموکرات، همگی در شوروی تهیه و تدوین شده بود. فرقه دموکرات به موازات حزب توده و نیروهای چپ در راستای اهداف شوروی از آن جمله مساله امتیاز نفت شمال عمل می‌کردند. فرقه دموکرات آذربایجان در واقع ابزاری برای اعمال فشار به دولت مرکزی ایران و کسب امتیاز نفت بود. البته عوامل مختلفی در ناکامی شوروی برای کسب امتیاز نفت دخیل بوده اند. سیاست ورزی احمد قوام، شکایت ایران به سازمان ملل و فشارهای بین‌المللی و مقاومت مردم آذربایجان در برابر فرقه از آن جمله اند. در این مقاله به همین وجه اخیر تاکید شده است. مقاله به این نتیجه رسیده است که هرچند مردم آذربایجان در ظهور و شکل‌گیری فرقه نقشی نداشتند اما در بیرون راندن آن و ناکامی شوروی در دستیابی به امتیاز نفت شمال نقش مهمی ایفا کردند. لازم به ذکر است روش پژوهش حاضر تفسیری- کیفی بوده است.

واژگان کلیدی: شوروی، نفت شمال، ایران، فرقه دموکرات، مردم آذربایجان

مقدمه و بیان مسئله

با پایان جنگ دوم، متفقین تعهد نمودند خاک ایران را ترک کنند اما شوروی از این فرصت برای وارد کردن فشار به ایران به منظور نیل به اهداف سیاسی و اقتصادی بهره می‌جست و با به راه انداختن نهضت‌های جدایی خواهی در مناطق تحت اشغال ارتش سرخ، از این نهضت‌ها به عنوان ابزاری در جهت تامین اهداف سیاسی و اقتصادی خود استفاده میکرد. همچنین از این راه می‌خواست به حزب توده برای فراهم کردن مقدمات انقلاب کمونیستی در ایران کمک کند. این سیاست، موافق با قرارداد محرمانه‌ای بود که میان نیروهای محور و شوروی‌ها منعقد شده بود (۱۳ نوامبر ۱۹۴۰، ۲۲ آبان ۱۳۱۹). این سند بیانگر خواست‌های ارضی اتحاد شوروی در جنوب سرزمین‌های آن کشور و در راستای آرزوی دور و دراز روس‌ها در راهیابی به اقیانوس هند است.

اسناد به دست آمده از کاغذ ب که پس از فروپاشی شوروی منتشر شده اند موید برنامه‌ریزی مدون شوروی برای تجزیه بخش‌هایی از ایران مانند آذربایجان و کردستان و گیلان و خراسان است. در اوایل ژوئیه ۱۹۴۵ (تیر - مرداد ۱۳۲۴) میرجعفر باقرآف دبیر حزب کمونیست باکو به مسکو احضار شد و در ششم همین ماه دفتر مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی، قرار محرمانه‌ای تحت عنوان «تدابیر لازم در مورد سازمان دهی جنبش‌های جدایی خواهانه در آذربایجان جنوبی و سایر شهرهای شمال ایران» صادر کرد. مهره مناسب برای تشکیل فرقه، سید جعفر پیشه‌وری شناخته شد تا کشور را به سوی فدرالیسم و تجزیه پیش برد. تاکید پیشه‌وری قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی مصرح در قانون اساسی در همین راستا قابل تحلیل و بررسی است. در تبیین نحوه و علل تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان تحقیقات زیادی انجام گرفته و روایت‌های مختلفی ارائه شده است که از جمله آنها می‌توان به نخست، روایت رسمی رژیم پهلوی، دوم، روایت نویسندگان شوروی، اعضای حزب توده و بازماندگان فرقه و جریان چپ، سوم، روایت آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها، چهارم، روایت رسمی جمهوری اسلامی و در نهایت، روایت آکادمیک از موضوع نفت و غائله فرقه دموکرات اشاره

کرد. اما تحقیق حاضر برپایه گفتگوی محقق با شاهدان عینی وقایع مربوط به دوره یک‌ساله فرقه دموکرات آذربایجان و نیز اسناد تازه انتشار یافته می‌کوشد روایتی دیگر از وقایع مربوط به دوره یک‌ساله حکومت فرقه را ارائه دهد. تاکنون کمتر از نقش مردم آذربایجان در شکست سیاست‌های نفتی شوروی سخن به میان آمده است. این مقاله می‌کوشد تا با ارائه شواهد به تبیین نقش مردم آذربایجان در فروپاشی فرقه دموکرات و بطریق اولی در ناکامی شوروی در دستیابی به امتیاز نفت شمال بپردازد. جنبه نوآورانه مقاله حاضر، مصاحبه‌نگارنده با شاهدان عینی در شهرهای تبریز، اردبیل، خلخال، مراغه، طارم و زنجان و مراغه است. مساله این تحقیق بررسی موضوع نفت و ارتباط آن با فرقه دموکرات است که در این راه به تبیین نقش مردم آذربایجان در ناکامی شوروی برای دستیابی به امتیاز نفت شمال پرداخته است.

سوال تحقیق

آیا هدف اصلی تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان تامین منافع و سیاست‌های نفتی شوروی در ایران بود؟

فرضیه تحقیق

با توجه به مطالعات اولیه در منابع مختلف این فرضیه به وجود آمد که هدف اصلی از تشکیل فرقه دموکرات ایجاد اهرم فشار از ناحیه شوروی به دولت ایران برای اخذ امتیاز نفت شمال بود.

ادبیات و پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق در موضوع فرقه دموکرات به پنج دسته کلی تقسیم می‌شود: نخست، روایت رسمی رژیم پهلوی، دوم، روایت نویسندگان شوروی، اعضای حزب توده و بازماندگان فرقه و جریان چپ، سوم، روایت آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها، چهارم، روایت رسمی جمهوری اسلامی و در نهایت، روایت آکادمیک از موضوع نفت و غائله فرقه دموکرات اشاره کرد _ از جمله نوشته‌هایی که روایت رسمی رژیم پهلوی را تبیین میکند «مأموریت برای وطن» نوشته محمد رضا شاه پهلوی است. او در کتاب، نقش خود را در حل موضوع

آذربایجان برجسته و بلامنازع جلوه می‌دهد و اقدامات و تصمیمات خود را موثرتر از سیاست‌ها و اقدامات احمدقوام نخست وزیر وقت معرفی می‌کند اما هیچ اشاره‌ای به اهداف شوروی در شکل‌گیری فرقه دموکرات نمی‌کند.

— دیگر از منابع دوره پهلوی، گاهنامه پنجاه سال حکومت پهلوی است که موضوع را از نگاه حکومت پهلوی تفسیر می‌کند اما به ریشه‌ها و عوامل شکل‌گیری آن نمی‌پردازد.

— از نوشته‌های جریان چپ و دیدگاه شوروی در خصوص وقایع به سالهای پایانی جنگ دوم و سیاست‌های شوروی در آن مقطع زمانی در ایران می‌توان به کتاب «تاریخ جنبش کارگری ایران» نوشته عبدالصمد کامبخش اشاره نمود. او موضوع فرقه دموکرات آذربایجان و کردستان را از منظر چپ و نگاه شوروی مطرح می‌کند. بدیهی است او به مانند نویسندگان شوروی و دیگر کمونیست‌های ایران، جریان فرقه دموکرات را یک حرکت آزادی‌خواهانه و دموکراتیک و ضرورت تاریخی آذربایجان در آن مقطع زمانی معرفی می‌کند اما هرگز به نقش بی‌بدیل مردم آذربایجان در شکست فرقه و به طریق اولی ناکامی شوروی در نیل به اهداف خود اشاره نمی‌کند.

— ایوانف مورخ روسی در «تاریخ معاصر ایران» موضوع فرقه دموکرات را از منظر شوروی مطرح می‌کند. او معتقد است که عوامل درونی از جمله آشنایی آذربایجانی‌ها با ایده‌های سوسیالیستی به دلیل هم‌مرزی با اتحاد شوروی، سلطنت ستمگرانه محمدرضا شاه پهلوی، فقر مردم، حضور حزب توده و تبادل اتحاد و آزادی به دلیل حضور ارتش سرخ در ایران و در نهایت مبارزه دهقانان با ملاکین و فئودال‌ها زمینه را برای تشکیل و ظهور فرقه دموکرات آذربایجان فراهم نموده است. پر واضح است که او نقش عامل خارجی در شکل‌گیری و تداوم فرقه دموکرات را نادیده گرفته است.

— محمدحسین خسروپناه در کتاب «سازمان افسران حزب توده» به تشریح نقش افسران حزب توده در غائله خراسان و آذربایجان پرداخته است. نشریات حزب توده عمدتاً از عملکرد فرقه دموکرات دفاع نموده و هیچ اشاره‌ای به مقاومت‌های مردمی در آذربایجان در مقابل فرقه نداشته‌اند.

— روایت آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها از موضوع فرقه دموکرات متفاوت است. کلارمونت اسکرین کاردار سفارت انگلیس در ایران در کتاب «جنگ جهانی در ایران» از منظر منافع بریتانیا و تقابل آن با منافع شوروی، وقایع مربوط به دوره یکساله فرقه را بررسی کرده ولی اوضاع و احوال داخلی را مدنظر قرار نداده است.

— لوئیس فاوست در کتاب «ایران و جنگ سرد» تأثیر تحولات و مناقشات بین‌المللی در اوان جنگ دوم را بر موضوع غائله آذربایجان بررسی نموده اما کمتر به جنبه داخلی آن پرداخته است. مخالفت مردم آذربایجان با فرقه و ناکامی شوروی در رسیدن به اهداف خود در این کتاب مغفول مانده است.

— ریچارد دابلیو کوتام نیز شوروی را عامل ایجاد فرقه دموکرات آذربایجان و تشدید حس ناسیونالیسم در منطقه آذربایجان توسط اعضای حزب توده به حساب می‌آورد. وی حمایت شوروی از ایجاد این دولت را در چارچوب یک پروژه دقیق برنامه‌ریزی شده از سوی شوروی برای اشتغال و جدا کردن شمال غرب ایران و ضمیمه کردن آن به شوروی می‌داند. در این اثر نیز نقش مردم آذربایجان در شکست فرقه نادیده گرفته شده است.

— روبرتس و رین معتقدند فراکسیون آذربایجان شوروی می‌خواست که آذربایجان ایران تجزیه شده و به آذربایجان شوروی ملحق گردد و در صورت شکست این طرح دولت دموکراتیک بورژوازی در آذربایجان تشکیل گردد و در نهایت اگر همه این طرح‌ها با شکست مواجه شدند آذربایجان ایران باید استقلال قابل توجهی به دست آورد.

— روایت رسمی دوره جمهوری اسلامی بر نقش مذهب تشیع در شکست فرقه و سیاست‌های شوروی تأکید دارد. رحیم نیک بخت و منیژه صدری از نویسندگان این دوره، در کتاب «پیدایش فرقه دموکرات به روایت اسناد و خاطرات»، ضمن بررسی اسناد مربوط به وقایع سالهای اشغال ایران در پایان جنگ دوم و امتیازخواهی شوروی در نفت شمال، عنصر تشیع را به عنوان مهمترین عامل در تقابل با رویکرد کمونیستی و الحادی فرقه برشمرده و همچنین از نبودن پایگاه اجتماعی فرقه و بطریق اولی ناکامی شوروی در دستیابی به امتیاز نفت شمال سخن گفته‌اند.

— روایت آکادمیک از وقایع مربوط به سالهای پایان جنگ دوم و ظهور و افول فرقه دموکرات آذربایجان تصویر دقیق تری به دست می دهد. جمیل حسنلی که تحقیقات او به دلیل استفاده از اسناد محرمانه آرشیوهای شوروی پس از فروپاشی آن اتحاد دارای ارزش فوق العاده است در کتاب «فراز و فرود فرقه دموکرات آذربایجان به روایت اسناد محرمانه آرشیوهای شوروی» با رویکرد پان ترکی خود، اگرچه در جای جای نوشتار خود از شکست فرقه و عقیم ماندن سناریوی تشکیل آذربایجان بزرگ ابراز تأسف می کند اما ناخواسته اسنادی را برملا می کند که خلاف خواسته و ادعای او است و از وابستگی فرقه به شوروی حکایت دارد. اگرچه به مخالفت مردم آذربایجان با فرقه توجه نکرده است.

— کاوه بیات در مقاله ای پژوهشی به تازه ترین اسناد منتشر شده از آرشیوهای شوروی و از آن جمله به فرمان استالین برای تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان و کردستان پرداخته است.

— عباس میلانی نیز تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان را طرح ریزی استالین برای آشوب افکنی در ایران معرفی می کند. اگرچه به رویارویی مردم آذربایجان با فرقه اشاره نموده است اما تاثیر این امر بر ناکامی شوروی در دستیابی به اهداف خود را به درستی تبیین نکرده است.

همسانی های عملکرد دولت شوروی در ایران پس از جنگ جهانی اول و دوم

اشغال شمال ایران توسط روس ها در اوان جنگ اول و حمایت بلشویک ها از دولت سوسیالیستی گیلان فرصتی مغتنم برای آنان فراهم نمود. جالب است که حوادث این دوره شباهت بسیار زیادی به حوادث پایان جنگ دوم دارد. اشغال بخش هایی از خاک ایران و خودداری از تخلیه آن و امتیاز خواهی از نفت شمال توسط روس ها بار دیگر تکرار می شد. بلشویک ها در اردیبهشت ۱۲۹۹ به بهانه سرکوب باقی مانده ضدانقلابیون روس (نیروهای سفید) انزلی و غازیان را زیر آتش گرفتند و رشت را اشغال کردند. نتیجه کارزار نظامی بلشویک ها، تشکیل جمهوری شورایی میرزا کوچک خان بود که بعدها پایتخت را نیز تهدید می کرد. موضوع جنگل که نخستین مداخله آشکار شوروی در ایران بود واکنش دولت وثوق الدوله را برانگیخت و منجر به شکایت ایران به جامعه ملل شد. تصویب قطعنامه شورای

جامعه ملل و اقدامات احمد قوام نخست‌وزیر وقت در نهایت شرایط را به سود ایران تغییر داد. مجموعه اقدامات قوام شباهت بسیار زیادی به عملکرد او در بیست و پنج سال بعد در موضوع غائله فرقه دموکرات داشت. او همزمان به مذاکره با دولت شوروی و میرزا کوچک خان اقدام کرد. رویکرد نظامی نیز از نظر دولت قوام دور نمانده بود. در نهایت تصویب معاهده میان ایران و شوروی، سرنوشت نهضت جنگل را نیز مشخص کرد. همچنان که بیست و پنج سال بعد توافق قوام و سادچیکف سرنوشت فرقه دموکرات آذربایجان را رقم زد. با توجه به مجموعه عملکرد شوروی، می‌توان گفت که اصل اساسی در آن زمان برای شوروی‌ها مسأله نفت بود کما اینکه نهضت جنگل نیز در نهایت وجه المصلحه قرار گرفت. نامه روشنتین به میرزا کوچک خان و دعوت از او به پایان دادن به عملیات انقلابی نیز شباهت بسیار زیادی به نامه استالین به پیشه‌وری و توجیه عملکرد روس‌ها نسبت به برادران کمونیست داشت. هر دو آن‌ها راهی جز تمکین از خواسته‌های شوروی نداشتند. پاسخ میرزا کوچک خان به نامه روشنتین حاکی از تمایل او به انقلابیون شوروی بود. سرنوشت او در کوه‌های تالش رقم خورد همچنان که بیست و پنج سال بعد، سرنوشت پیشه‌وری در سانحه تصادف اتومبیل در باکو رقم خورد. به تعویق انداختن تصویب معاهده (۱۹۲۱م، ۱۲۹۹ش) در مجلس ایران توسط قوام و موکول کردن آن خروج ارتش سرخ، دقیقاً همان سیاستی است که قوام بیست و پنج سال بعد در غائله فرقه دموکرات در پیش گرفت. تداوم مذاکره با جنگلی‌ها و موکول کردن عملیات نظامی به خروج کامل ارتش سرخ نیز همان روشی بود که قوام در مقابل پیشه‌وری و فرقه دموکرات در پیش گرفت و نقش او در میان همه بازیگران سیاست در دوره بیست و پنج ساله جنگ اول و دوم، از لنین و روشنتین تا استالین و باقراف و از میرزا کوچک تا پیشه‌وری، از همه برجسته‌تر بود. او بود که در هر دو بحران، با سیاست ورزی و مهارت، شوروی را وادار به تخلیه ایران نمود و تمامیت ارضی ایران را حفظ کرد. وقایع جنگ دوم و اشغال شمال ایران توسط شوروی، بار دیگر توجه آنان را به نفت شمال جلب نمود. گویا تاریخ دوباره تکرار می‌شد. با بازیگران متفاوت و تنها یک بازیگر ثابت به نام احمد قوام. هم او بود که لقب چرچیل ایران را گرفت.

نقش سیاست های شوروی در تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان

با پایان گرفتن جنگ جهانی، استالین برای تضمین موقعیت و امنیت طرفداران فرقه دموکرات، اعلام کرد که شوروی نیروهای خود را از ایران خارج نخواهد کرد. همچنانکه میلانی نیز بر این امر تاکید دارد، ادامه اشغال ایران توسط شوروی در ایجاد دو جنبش جدایی طلب در دواستان ایران که در واقع با هم پیوندی تنگاتنگ داشتند نخستین بحران بزرگ حکومت محمدرضا شاه را پدید آوردند. (میلانی، ۲۰۱۳/م ۱۳۹۲ ش، ص ۱۳۳). در نیمه جنوبی ایران نیز همزمان نیروهای انگلیسی برای محافظت از منابع نفتی حضور یافتند. شوروی در حقیقت برای احیاء منافع دوره تزارها و نیز کسب منافع جدید در ایران زمان را مناسب دید که پایگاه خود را محکم نماید. بنابراین سعی نمود این کار را با واسطه انجام دهد. مأمور یافتن این واسطه میرجعفر باقراف بود. او ضمن دیدار با جعفرپیشه وری در جلفای شوروی، مرامنامه فرقه را به او ابلاغ کرد.

اما به طور کلی اهداف شوروی در کمک به تشکیل فرقه دموکرات را چنین می توان بیان کرد:

- ۱_ همچنانکه خان ملک یزدی معتقد است فشار به دولت مرکزی ایران برای تغییر سیاست یک جانبه غرب گرایانه و گرایش به شوروی (خان ملک یزدی، ۱۳۶۲، ص ۱۱۲).
- ۲_ دستیابی به امتیاز نفت شمال و کوتاه کردن دست آمریکایی ها که در آن زمان به عنوان قدرت سوم خارجی در منطقه مطرح بودند (شایرینه، ۱۳۸۶، ص ۴۰).
- ۳_ ایجاد امنیت در مرزهای طولانی ایران با شوروی به منظور جلوگیری از نفوذ آمریکا.
- ۴_ جلب نظر مردم آذربایجان ایران به عنوان آذربایجان جنوبی و به نوعی تجزیه آن از ایران با بیان عباراتی نظیر پیوند دادن برادران جدا مانده عزیزمان در آذربایجان ایران به جمهوری آذربایجان توسط باقراف (حسنلی، ۱۳۸۶، ص ۲۱). او برای رسیدن به هدف خود با تحقیرآمیز خواندن رفتار دولت ایران نسبت آذربایجانی ها و زبان ترکی و همچنین غارت ثروت و ویرانی شهرهای آذربایجان، اهداف سیاسی را دنبال می نمود و تلاش می کرد تا القا کند که رفتار دولت مرکزی ایران خدشه به حیثیت آذربایجانی ها است. (همان، ص ۱۰).

۵_ حمایت از فرقه دموکرات آذربایجان به منظور ایجاد اندیشه ناسیونالیسم قومی و تشکیل آذربایجان بزرگ (اسکندری، ۱۳۶۸، ص ۱۲۶).

سیاست‌مداران شوروی با اشاعه تفکرات کمونیستی در منطقه، زمینه را برای جدایی آذربایجان ایران و الحاق آن به خاک خود تحت عنوان آذربایجان یکپارچه طرح‌ریزی کرده بودند و البته با این کار به راحتی به نفت شمال نیز دست می‌یافتند (Ahmadi, ۲۰۱۳:P, ۹۱).

استالین به منظور نیل به اهداف نفتی خود در خرداد ۱۳۲۴ فرمان اقدامات اکتشافی زمین‌شناسی برای نفت با محوریت شهرهای شمالی ایران و کرانه جنوبی دریای مازندران شامل بابلسر، بندر پهلوی، آمل، جلفا، زنجان، تبریز، اردبیل، مازندران و رشت را صادر کرد. از طرف دیگر در تیر ۱۳۲۴ به صورت محرمانه فرمان دوم برای سازمان دهی یک جنبش جدایی طلب در آذربایجان را صادر نمود و هشت روز بعد در فرمان سوم دستورالعمل محرمانه‌ای در مورد اجرای مأموریت ویژه در آذربایجان ایران و ایالات شمالی صادر کرد که در بند اول آن به باقراف دستور داده شده تا وسایل سفر پیشه‌وری و کامبخش به باکو جهت گفت‌وگو، به سرعت مهیا شود (بیات، ۱۳۸۳، ص ۱۳۹_۱۵۶ و احمدی، ۱۳۹۶، ص ۹۸).

استالین بهترین راه را در آن می‌دید که با عوامل مزدور، آشفتگی‌های داخلی در ایران به وجود آورده و مناطقی را که می‌تواند دستیابی به امتیازات نفت را تسهیل کند علیه دولت مرکزی بشوراند. هنگامی که دولت ایران یک تیپ پیاده همراه یک واحد تانک را برای تقویت پادگان تبریز که در محاصره دمکرات‌ها بود گسیل داشت، در شریف آباد قزوین با نیروهای ارتش سرخ مواجه و متوقف شد. حمایت شوروی از فرقه دموکرات آشکار شده بود. اعلام موجودیت فرقه دموکرات با پشتیبانی مستقیم شوروی، واکنش دولت ایران را برانگیخت. اعتراض به مداخله شوروی در امور داخلی ایران در ۲۶ آبان ۱۳۲۴ و در نهایت شکایت به سازمان ملل و برانگیختن حساسیت دول غربی، شرایطی را فراهم کرد که بحران آذربایجان به نخستین نقطه برخورد کمونیسم با جهان غرب بدل شد.

مذاکرات ایران و شوروی در موضوع نفت

نخست‌وزیری احمد قوام نقطه عطفی در حل موضوع نفت و آذربایجان به شمار می‌آمد. رویاروی احمد قوام با روس‌ها، مسبوق به پایان جنگ اول و نهضت جنگل بود. در آن زمان نیز، مساله خروج نیروهای شوروی از شمال ایران، حمایت از جنگلی‌ها و موضوع نفت شمال مطرح بود. احمد قوام با سیاست ورزی و دیپلماسی موفق به حل مشکل شده بود. گویا تاریخ دوباره تکرار میشد. او هم‌زمان با پیگیری موضوع شکایت ایران در سازمان ملل، مذاکره با شوروی را در پیش گرفت و سپس با عضویت سه وزیر توده ای به جلب اعتماد شوروی اقدام کرد. گرچه پس از خروج ارتش سرخ رویکرد خود را تغییر داد و توده ای‌ها را از کابینه اخراج کرد. او جهت مذاکره با روس‌ها عازم مسکو شد و خواستار روابط دوستی و حل مشکلات بین ایران و شوروی گردید (مکی، ۱۳۷۵، ص ۲۱). قوام خواستار خروج هر چه سریع‌تر شوروی از شمال ایران شد اما استالین به استناد ماده ۶ معاهده ۱۹۲۱ (۱۳۰۰ش) حفظ نیروهای خود در ایران را موجه دانست و درخواست او را رد کرد (قوام، دنیا، صص ۱۴۷-۱۳۳).

علیرغم شکست مذاکرات قوام در مسکو، مهم‌ترین دستاورد این سفر اذعان و اعتراف مصلحتی روس‌ها به این امر بود که مساله آذربایجان، موضوع داخلی ایران است. استناد استالین به معاهده ۱۹۲۱ (۱۳۰۰ش) فاقد وجهت بود.

همچنانکه طلوعی در تحلیل خود بیان میکند شوروی‌ها ایجاد حکومت خودمختار و انجمن ایالتی آذربایجان را به عنوان تضمینی برای خروج ارتش سرخ از ایران مطرح نمودند (طلوعی، ۱۳۷۲، صص ۳۲۳-۳۲۵). همانطوریکه نوبخت تحلیل می‌کند علت اصلی اقدامات و بهانه جویی‌های شوروی، مساله نفت بود که یک سال پیش، امتیاز آن را از دولت ایران تقاضا کرده و بدان نرسیده بود (نوبخت، ۱۳۸۷، ص ۴). استالین، مساله آذربایجان و امتیاز نفت شمال را به طور موازی پیش می‌برد. او در نهایت فرقه دموکرات را قربانی امتیاز نفت شمال کرد.

براساس تحلیلی که ذوقی ارائه می‌دهد، قوام در مورد تخلیه ایران از نیروهای شوروی و حل موضوع آذربایجان گزارش مبسوطی ارائه کرد و طبق برنامه قبلی، توافق‌نامه سادچیکف را به مجلس فرستاد (ذوقی، ۱۳۷۵، ص ۲۴۲). قوام توانسته بود روس‌ها را به خروج نیروهایشان از

ایران متقاعد سازد، غائله آذربایجان را حل و فصل نماید، و با زیرکی تمام موضوع امتیاز نفت شمال را به تصویب مجلس موکول نماید. این چنین بود که در عالم سیاست، شوروی پس از وقایع پایان جنگ اول و نهضت جنگل، برای دومین بار از شخصی به نام احمدقوام شکست می خورد. مجلس نقش نظارتی خود بر عملکرد دولت را به عنوان بازوی اجرایی کشور گسترش داد و حق نظارت و تعیین تکلیف در منابع و منافع ملی را برای خود محفوظ نگاه داشت (آوری، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۳۰۳).

مساعادت سازمان ملل و مواضع آشکار آمریکا از دیگر دلایل خروج ارتش سرخ از ایران بود (فاتح، ۱۳۵۸، ص ۳۹ و مکی، ۱۳۷۵، ص ۲۱ و ۲۲). بحران آذربایجان نخستین تقابل جهان غرب با توسعه طلبی شوروی کمونیستی بود. مجموعه عوامل دست به دست هم داد و در نهایت به ناکامی شوروی منتهی شد. نبودن پایگاه اجتماعی برای فرقه دموکرات در آذربایجان، سیاست ورزی قوام و حمایت‌های بین‌المللی از تمامیت ارضی ایران منجر به شکست شوروی در موضوع نفت و بحران آذربایجان گردید.

نقش فقدان پایگاه اجتماعی فرقه دموکرات در شکست سیاست نفتی شوروی

هر جریان اجتماعی برای تداوم و بقا خود نیاز به پایگاه مردمی دارد. فرقه دموکرات نیز از این قاعده مستثنی نیست. پرواضح است که برخورداری فرقه از پایگاه اجتماعی و حمایت مردم آذربایجان، می‌توانست در تحقق چنین هدفی مؤثر باشد و به عکس، فقدان پایگاه اجتماعی فرقه، در کنار عوامل دیگر، یکی از مهم‌ترین دلایل شکست سیاست نفتی شوروی تلقی شود.

مهم‌ترین اهداف و برنامه‌های فرقه دموکرات، اختیارات گسترده تر محلی از لحاظ اداری، تدریس به زبان ترکی در مدارس و نادیده گرفتن زبان ملی و اصلاحات ارضی و اقتصادی بود (جعفری سرو جهانی و بهنام، ۱۳۹۴، ص ۵۶). پیشه وری از یک طرف حامی خارجی قدرتمندی چون شوروی داشت و از طرف دیگر سعی داشت با شعارهای قومی و تجزیه طلبانه همانند به دست آوردن آزادی مردم آذربایجان و شعار آذربایجان مال آذربایجانی‌ها است

(تفقدی جامی، ۱۳۷۷، ص ۲۷۵) اهداف خود را محقق سازد. تشکیل وزارت جنگ و گروه نظامی فرقه نمود بارز تجزیه طلبی بود. شاخه نظامی فرقه با حمایت مستقیم ارتش سرخ تشکیل یافت.

سیدحسن موثقی از اهالی خلخال و عضو سابق حزب توده و فرقه دموکرات، در حضور نگارنده خاطرات خود را برای دایی نگارنده تعریف می‌کرد: «همین که خبر حرکت ارتش به سوی آذربایجان منتشر شد ورق برگشت. قبل از رسیدن ارتش مردم به دستگیری و قلع و قمع دموکرات‌ها اقدام کردند». موثقی می‌گوید: «از ترس مردم به خانه خود پناه بردم و از پنجره داخل اتاق را نگریستم. مادرم خاور خانم در وسط اتاق بر روی عکس پیشه وری نشسته و به او فحش و ناسزا می‌داد. این صحنه را که دیدم دریافتم که در خانه نیز امنیت ندارم. از روی دیوار به خانه مجاور که متعلق به مرحوم محجوبی همسایه‌مان بود گریختم. نام‌برده مرا به مدت چند روز در اتاقکی که در انتهای حیاط وجود داشت نگهداری کرد و وقتی که دریافتیم پنهان شدن دیگر فایده‌ای ندارد، در یکی از شب‌ها با چادر زنانه مرا به مقر ارتش برد و خود را تحویل دادم». مرحوم موثقی شاعر بود. در دوره حکومت فرقه، شعری سروده بود:

«ساعاتون عقربسی بیرده دالا دُئمیجک
رضانون جوجه لری بیرده تاجی گُرمیجک»
یعنی: عقربه ساعت به عقب بر نخواهد گشت و جوجه‌های رضا دوباره تاج و تخت را نخواهند دید. او می‌افزاید: «بعد از سقوط فرقه و دستگیری دموکرات‌ها، هنگامی که ما را برای محاکمه به اردبیل می‌بردند، یکی از اهالی خلخال به طعنه به من گفت: «سیدحسن، ساعاتون عقربسی دوندی دالا یاندی ددون». یعنی: عقربه ساعت به عقب برگشت و پدرت سوخت. (مصاحبه نگارنده با آقای حسن موثقی در تاریخ ۹۶/۳/۵).

محمدحسن عزیزعرب اهل تبریز و یکی دیگر از مصاحبه شونده‌گان نگارنده است. او اظهار می‌دارد: «در خیابان و حوالی چهارراه شهناز چند جنازه بر زمین افتاده بود که از لباس آن‌ها مشخص بود که دموکرات هستند. هنوز خبری از ارتش ایران نبود اما مردم در جستجوی دموکرات‌ها بودند. همراه یکی از دوستانم در انتهای کوچه ای مشرف به چهارراه شهناز یک نفر فرقه ای را دیدیم که از ترس به خود می‌لرزید، لباس نظامی فرقه را از تنش درآورده بود و در

دست داشت. از ما امان خواست. او را از کوچه پس کوچه‌ها به منزل خود که در آن نزدیکی بود بردم. چند روزی در منزل بود. پس از ورود ارتش او را تحویل دادم» (مصاحبه نگارنده با آقای محمدحسن عزیزعربدر تاریخ ۹۷/۶/۱۷). مرحوم عزیزعرب نیز در دوره یکساله فرقه شعری سروده بود:

«درون خاک وطن لشکر عدو دیدن به دیده تیر و به دل همچو خنجر تیز است»
«شفق ز سرخی خورشید و ماه تابان نیست نشانه دل خونین اهاآل تبریز است»

بانو ستاره بخشی یکی دیگر از مصاحبه شوندهگان و بستگان نگارنده در زنجان است. او می‌گوید: «دموکرات‌ها در زنجان خیلی جنایات کردند. شخصاً شاهد مرگ دو نفر از اهالی زنجان به دست آن‌ها بودم که توان پرداخت مالیات درخواستی فرقه را نداشتند. دموکرات‌ها اموال مردم را غارت می‌کردند. به نوامیس مردم تعدی می‌کردند. برخی از اهالی زنجان برای مقابله با فرقه به ذوالفقاری‌ها پیوستند. به محض فرار فرقه‌ای‌ها و به هنگام ورود گروه ذوالفقاری‌ها به زنجان، مردم به استقبال آن‌ها رفتند. پیش پای آن‌ها قربانی می‌کردند. زنجانی‌ها دل خونی از دموکرات‌ها دارند» (مصاحبه نگارنده با بانو ستاره بخشی در تاریخ ۹۷/۸/۲۴). این اظهارات در کنار گزارش مرحوم محمود طالقانی که به عنوان نماینده روحانیون و پس از آزادسازی زنجان به آن شهر رفته بود تصویر روشنی از اوضاع و احوال زنجان پیش روی ما می‌گذارد. مرحوم طالقانی نیز در گزارش خود، گوشه‌هایی از جنایات دموکرات‌ها را بیان کرده و از ستم مضاعفی که به اهالی زنجان رفته است سخن می‌راند. گروه‌های مسلح مردمی که با دموکرات‌ها مبارزه می‌کردند به ذوالفقاری‌ها محدود نمی‌شد. ذوالفقاری‌ها یکی از ایل‌های آذربایجانی بودند که به همراه ایل یمینی نقش مهمی در مبارزه با فرقه دموکرات ایفاء کردند. محمودخان ذوالفقاری رهبری ایلات وطن خواه زنجان را بر عهده داشت. کاوه بیات گزارشی از گروه‌های مسلح مردمی بر ضد فرقه دموکرات ارائه می‌دهد. گروه‌هایی که به صورت خودجوش به مبارزه با فرقه دموکرات می‌پرداختند.

ناصر هم‌رنگ از اهالی اردبیل، خاطرات پدرش را که یکی از مبارزان ضد فرقه بوده برای نگارنده تعریف کرده است. او اظهار می‌دارد: «از نظر پدرش، دنیا به دو بخش فرقه و ضد فرقه

تقسیم شده بود. مبارزان مردمی اسلحه خود را از فرقه ای ها غنیمت می گرفتند. این افراد در اردبیل و تبریز و خلخال حتی در دوره حکومت یک ساله فرقه از مبارزه باز نایستادند. با ظهور نشانه های افول فرقه، تعداد این افراد افزایش یافت» (مصاحبه نگارنده با آقای ناصرهمرنگ در تاریخ ۹۹/۲/۱۶).

یونس مروارید اهل مراغه و یکی دیگر از مصاحبه شوندگان است. او می گوید: «در اوان حوادث آذربایجان، ۱۲ ساله بودم. صبح روز ۲۱ آذر برای خرید نان از خانه خارج شدم. در مرکز شهر دیدم مردم، نشان ها و پرچم های فرقه را پایین می کشند. مردم در جست و جوی دمکرات ها بودند. کنار خیابان ایستاده و تماشا می کردم. ناگهان صدای تیراندازی به گوش رسید. به سرعت به طرف خانه دویدم. در حیاط خانه پدرم را دیدم که لباس پوشیده و قصد داشت در پی من بیاید. پدرم خروج ما را از خانه ممنوع کرد. وضعیت شهر ملتهب بود. چندی بعد ارتش ایران وارد مراغه شد و اوضاع به حالت عادی برگشت» (مصاحبه نگارنده با آقای یونس مروارید در تاریخ ۹۸/۱۱/۱۲).

مجموعه دلایل و قراین نشان می دهد که برخلاف ادعای افرادی که با رویکرد قومی ادعا میکنند مساله فرقه دموکرات حرکتی مردمی بوده است، غائله فرقه دموکرات آذربایجان هرگز یک حرکت مردمی نبوده، بلکه جریانی کاملاً اجنبی ساخته و در راستای منافع شوروی کمونیستی بوده است.

عملکرد فرقه دموکرات در راستای منافع شوروی، موجبات نارضایتی و رویارویی مردم آذربایجان با فرقه و بطریق اولی ناکامی شوروی در دستیابی به امتیاز نفت شمال را فراهم نمود. بدیهی است اگر فرقه دموکرات آذربایجان دارای پایگاه اجتماعی بود میتوانست پس از خروج ارتش سرخ پابرجا بماند و سرنوشت امتیاز نفت شمال را به گونه ای دیگر رقم بزند.

نتیجه

اشغال شمال ایران در اوان جنگ دوم و ظهور شوروی بعنوان یکی از دول پیروز جنگ، فرصتی دیگر برای امتیازخواهی آن کشور را فراهم نمود. انتشار اسناد محرمانه اتحاد شوروی پس از فروپاشی در (۱۹۹۱م، ۱۳۷۰ش) تصویر روشنی از وقایع مربوط به سالهای جنگ دوم بدست می دهد. با امعان نظر به جمیع اسناد و دلایل و گواهی شاهدان عینی و، فرقه دموکرات

آذربایجان و کردستان، ساخته و پرداخته حزب کمونیست شوروی و به دستور صریح شخص استالین و ابزاری جهت اعمال فشار به دولت مرکزی ایران و تأمین منافع اقتصادی و سیاسی اتحاد شوروی بوده است. نامه‌ای که استالین به پیشه‌وری می‌نویسد مهر تأیید بالاترین مرجع مطلع بر این حقیقت است که فرقه دموکرات آذربایجان زیر سایه ارتش سرخ بر سر کار آمده و به محض خروج ارتش سرخ فروپاشیده و فاقد هرگونه اراده و اختیار بوده است. اشغال بخش‌هایی از شمال ایران، امتیاز خواهی نفتی، ایجاد جریان‌های قومی و تجزیه طلب، سیاستی بود که از سوی شوروی دنبال میشد. مجموعه اسناد و شواهد نشان می‌دهند که موجودیت، مرامنامه، اهداف و اقدامات فرقه دموکرات، همگی در شوروی تدوین و تهیه شده بود.

فرقه دموکرات در واقع مستمسکی برای کسب امتیاز نفت بود. چه آنکه در نهایت نیز قربانی نفت شد. فرقه دموکرات هرگز در آذربایجان با اقبال عمومی مواجه نشد. گواهی شاهدان عینی مویذ این مطلب است که به محض خروج ارتش سرخ و پیش از ورود ارتش ایران، مردم به مقابله و قلع و قمع فرقه‌ای‌ها پرداخته‌اند. تبریز و بسیاری از شهرهای آذربایجان پیش از ورود ارتش به دست مردم افتاده بود و فرقه‌ای‌ها متواری و یا پنهان شده بودند. نداشتن پایگاه اجتماعی مهمترین عامل شکست فرقه دموکرات آذربایجان بود. مساله هویت و قومیت و نقش نخبگان قومی، بدو هیچ تأثیری در پیدایش فرقه نداشتند و هویت قومی و مباحثی مانند زبان مادری و نظایر آن مستمسکی بوده که توسط عمال شوروی و فرستادگان باقراف از باکو دامن زده می‌شد و تبلیغ می‌گردید و در خود آذربایجان پایگاه اجتماعی نداشت.

پرواضح است که اگر فرقه دموکرات دارای پایگاه اجتماعی می‌بود و پس از خروج ارتش سرخ از میان نمیرفت و حکومت آن در آذربایجان تداوم می‌یافت، در فاصله خروج نیروهای شوروی تا مجلس پانزدهم، همچنان می‌توانست بعنوان اهرم فشار به دولت مرکزی عمل کند و در تصویب توافقنامه قوام و سادچیکف نقش موثری ایفاء نماید. اما چنین اتفاقی نیافتاد و به محض خروج ارتش سرخ به سرعت فروپاشید و با شکست مواجه شد و امتیازخواهی شوروی از نفت شمال ناکام ماند. اگرچه مردم آذربایجان در ظهور فرقه نقشی نداشتند اما در بیرون راندن آن و بطریق اولی در ناکامی سیاست نفتی شوروی نقش بسزایی ایفا کردند.

کتابنامه

کتاب ها

۱. آ. ج. اربری، برتولد اشپولر و دیگران. تاریخ اسلام پژوهش دانشگاه کمبریج. ترجمه احمد آرام. تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۰.
۲. آوری، پیتر. تاریخ معاصر ایران. ترجمه محمدرفعی مهرآبادی. تهران: عطایی، ۱۳۷۳.
۳. ا.آ. گرانفسکی و دیگران. تاریخ ایران از باستان تا امروز. ترجمه کیخسرو کشاورزی. تهران: مروارید، ۱۳۸۵.
۴. اتابکی، تورج. آذربایجان در ایران معاصر. تهران: توسن، ۱۳۷۶.
۵. اسکرین، کلارمونت. جنگ جهانی در ایران. ترجمه غلامحسن صالحیار. تهران: اطلاعات، بی تا.
۶. اسکندری، ایرج. خاطرات سیاسی. تهران: علمی، ۱۳۸۶.
۷. الموتی، ضیاء الدین. فصولی از تاریخ مبارزات سیاسی و اجتماعی ایران _ جنبش های چپ. تهران: بینا، ۱۳۷۰.
۸. بهار، ملک الشعراء. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران. تهران: کتابهای جیبی، ۱۳۵۷.
۹. بیانی، خان بابا. غائله آذربایجان. تهران: زریاب، ۱۳۷۵.
۱۰. پهلوی، محمدرضا. ماموریت برای وطنم. تهران: ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷.
۱۱. تفقدی جامی، محمود. گذشته چراغ راه آینده. تهران: ققنوس، ۱۳۷۷.
۱۲. جهانشاهلو افشار، نصرت الله. ما و بیگانگان. تهران: سمرقند، ۱۳۹۲.
۱۳. حسنی، جمیل. فراز و فرود فرقه دموکرات آذربایجان به روایت اسناد محرمانه آرشیوهای شوروی. ترجمه منصور همای. تهران: نی، ۱۳۸۶.
۱۴. خامه ای، انور. خاطرات سیاسی. تهران: گفتار، ۱۳۷۲.
۱۵. خان ملک یزدی، محمد. غوغای تخلیه ایران. تهران: سلسله، ۱۳۶۲.
۱۶. خسروپناه، محمدحسن. سازمان افسران حزب توده ایران. تهران: شیرازه، ۱۳۷۷.
۱۷. ذوقی، ایرج. مسائل سیاسی و اقتصادی نفت ایران. تهران: پاژنگ، ۱۳۷۵.
۱۸. شفا، شجاع الدین و دیگران. گاهنامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی. پاریس: سهیل، ۱۳۶۴.
۱۹. شوکت، حمید. در تیررس حادثه (زندگی سیاسی قوام السلطنه). تهران: اختران، ۱۳۸۵.
۲۰. طلوعی، محمود. بازیگران عصر پهلوی (از فروغی تا فردوست). تهران: علم، ۱۳۷۲.

۲۱. عاقلی، باقر. میرزااحمدخان قوام السلطنه (در دوران قاجاریه و پهلوی). تهران: جاویدان، ۱۳۷۶.
۲۲. فاتح، مصطفی. پنجاه سال نفت ایران. تهران: پیام، ۱۳۵۸.
۲۳. فاست، لوئیس. ایران و جنگ سرد. ترجمه کاوه بیات. تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.
۲۴. فردوست، حسین. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی. تهران: اطلاعات، ۱۳۸۲.
۲۵. فرزاد، شاهرخ. فرقه دموکرات آذربایجان. تهران: اوحدی، ۱۳۸۶.
۲۶. کامبخش، عبدالصمد. تاریخ جنبش کارگری ایران. تهران: حزب توده، ۱۳۶۰.
۲۷. مجتهدی، میرزا عبدالله. بحران آذربایجان. به کوشش رسول جعفریان. تهران: مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۱.
۲۸. مددی، سیروس. نامه رهبران جنبش دموکراتیک آذربایجان به رهبرای اتحاد شوروی. کلن: بی نا، ۱۳۸۵.
۲۹. مرادی مراغه ای، علی. از زندان رضاخان تا صدر فرقه دموکرات آذربایجان. تهران: اوحدی، ۱۳۸۸.
۳۰. مقصودی، مجتبی. تحولات سیاسی اجتماعی ایران از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷. تهران: روزنه، ۱۳۹۵.
۳۱. مکی، حسین. نفت و نطق مکی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۵.
۳۲. مهربان، رسول. گوشه ای از تاریخ معاصر ایران. تهران: عطارد، ۱۳۶۱.
۳۳. میلانی، عباس. نگاهی به شاه. تورنتو: پرشین سیرکل، ۱۳۹۲.
۳۴. ناصحی، ابراهیم. غائله آذربایجان در رهگذر تاریخ. تبریز: ستوده، ۱۳۸۴.
۳۵. نیک بخت، رحیم و صدری، منیژه. پیدایش فرقه دموکرات آذربایجان به روایت اسناد و خاطرات. تهران: مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۴.
۳۶. هروی بصیرالدوله، رضا. دوسال روابط محرمانه احمدشاه با سفارت شوروی. یادداشت های رضا هروی. به کوشش مجید تفرشی. تهران: تاریخ ایران، ۱۳۶۷.
- مقالات**
۳۷. احمدی، حمید. «اصلاحات فرقه دموکرات آذربایجان و اسناد بازیافته اتحاد شوروی». مطالعات اورآسیای مرکزی. دوره ۱۰. ش ۱. ۱۳۹۶.
۳۸. بیات، کاوه. «استالین و فرمان تشکیل فرقه دموکرات». گفتگو. ش ۴۰. ۱۳۸۳.

۳۹. جعفری سروجهانی، مریم و بهنام. «علل تاسیس فرقه دموکرات آذربایجان و واکنش ها به تشکیل آن». تاریخنامه خوارزمی. سال سوم. ش ۱. ۱۳۹۴.
۴۰. شاید راینه، فرناند. «استالین و تاسیس فرقه دموکرات آذربایجان». گفتگو. ش ۴۸. ۱۳۸۶.
۴۱. منصوربخت، قباد. «مساله تحقیق، مساله اصلی تحقیق». پژوهشگاه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی. ش ۵۸. ۱۳۸۷.
- اسناد**
۴۲. اسناد آرشیوهای مجلس، مذاکرات مجلس پانزدهم.
۴۳. روزنامه ها و نشریات
۴۴. پیشه وری، جعفر. «آذربایجان ملی حکومتینین پروگرامی (برنامه سی)». روزنامه آذربایجان. ش ۷۸. ۱۳۲۴.
۴۵. قوام، احمد. «اسرار ملاقات ها و مذاکرات هیئت ایرانی با ژنرال یسم استالین در مسکو». دنیا. ش ۹. ۱۳۳۲.
۴۶. نوبخت، فاطمه. «خروج پر ماجرای روس ها از ایران». زمانه. ش ۷۲. ۱۳۸۷.
۴۷. مصاحبه ها
۴۸. مصاحبه نگارنده با آقای حسن موثقی در تاریخ ۹۶/۳/۵.
۴۹. مصاحبه نگارنده با آقای محمدحسن عزیزعرب در تاریخ ۹۷/۶/۱۷.
۵۰. مصاحبه نگارنده با خانم ستاره بخشی در تاریخ ۹۷/۸/۲۴.
۵۱. مصاحبه نگارنده با آقای ناصرهمرنگ در تاریخ ۹۹/۲/۱۶.
۵۲. مصاحبه نگارنده با آقای یونس مروارید در تاریخ ۹۸/۱۱/۱۲.
53. Cottam, Richard W. 1964. Nationalism in Iran. [Pittsburgh]: University of Pittsburgh Press. pp.124-128
54. Ahmadi, Hamid (2013), "Political Elites and the Question of Ethnicity and Democracy in Iran: A Critical View", Iran and the Caucasus, Vol. 5, No. 17, pp. 77-102.
55. Ivanov, M. S. (1966). Iranian new history. H. Tizabi & H. G. Panah (translators). Moscow, Former Soviet Socialist Republics: Tudeh party of Iran publication.
56. Roberts, G. (2011). Moscow's cold war on the periphery: Soviet policy in Greece, Iran and Turkey, 1943-1948. Journal of contemporary history, 46, 57-81

57. Raine, F. (2001). Stalin and the creation of the Azerbaijan democratic party in Iran, 1945. *Cold war history*, 2, 1-38.
58. Atkin, M. (2007). Neither eastern nor western, the case study about Iranian relations with Soviet Union and United States of America. E. Koulaee, S. D. Aghaee & E. Mottaghi (translator). Tehran, Iran: Mizan
59. Hess, G. R. (1974). The Iranian crisis of 1945-1946 and the cold war. *Political science quarterly*, 89, 117-146